

Investigating the factors affecting social harmony among ethnic groups living in Shahinshahr (Case study of citizens aged 15 to 65 years)

Ramin Tahmasebizadeh¹
Reza Esmacili²
Mansoor Hghighatyan³

Received: 25 Jul 2021
Reception: 23 Mar 2022

The aim of this article is to investigate the factors affecting social harmony among the citizens of Shahinshahr, Isfahan. This research is based on a quantitative approach of descriptive-correlation method. The statistical population of citizens aged 15 to 65 years is Shahinshahr, which according to the statistics of 2016, was 173,329 people. The Sampling method in this Study is Sampling of multi-Stage Sampling. Findings showed that, between social (0.47), cultural (0.11), political (0.11), media (0.14), individual (-0.21) and economic (0.54) factors There is a significant relationship with the convergence and harmony of ethnic groups in Shahinshahr. The results show that the level of social harmony among the citizens of Shahinshahr was lower than the average and equal to (27.48). Also, economic factors (4.14) and political factors (7.85) were lower than the average. But social (63.10), cultural (25.19), individual (18.61) and media (25.56) factors were higher than the average. Findings of regression analysis show that 32% of the variance of social harmony among ethnic groups is explained by research variables.

Keywords: social harmony, ethnicity, political factors, media factors, cultural factors.

1. PhD student of Sociology of Social Groups, Islamic Azad University, Dehaghan Unit. ramin.tahmasebi@yahoo.com

2. Assistant Professor of Islamic Azad University, Khorasgan Unit, (Corresponding Author). r.esmacili@khuisf.ac.ir

3. Associate Professor of Islamic Azad University, Dehaghan Unit. haghighat@dehaghan.ac.ir

بررسی عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی، در بین گروه‌های قومی ساکن در شاهین شهر (مورد مطالعه شهروندان ۱۵ تا ۶۵ سال)

رامین طهماسبی زاده^۱ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۳
رضا اسماعیلی^۲ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۳
منصور حقیقتیان^۳

چکیده

مقاله حاضر باهدف بررسی عوامل اثرگذار بر هماهنگی اجتماعی شهروندان شاهین شهر اصفهان انجام شده است. این پژوهش بر اساس رویکرد کمی روش پیمایشی (توصیفی-همبستگی) است. جامعه آماری شهروندان ۱۵ تا ۶۵ سال شاهین شهر است که طبق آمار سال ۱۳۹۵، ۱۷۳ هزار و ۳۲۹ نفر بوده است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری چندمرحله‌ای است. یافته‌ها نشان داد که، بین عوامل اجتماعی (۰/۴۷)، فرهنگی (۰/۱۱)، سیاسی (۰/۱۱)، رسانه‌ای (۰/۱۴)، فردی (۰/۲۱-) و اقتصادی (۰/۵۴) با همگرایی و وفاق گروه‌های قومی در شاهین شهر رابطه معنادار وجود دارد. یافته‌های حاصله نشان می‌دهد که میزان وفاق اجتماعی در بین شهروندان شاهین شهر از متوسط میانگین پایین‌تر و برابر با (۲۷/۴۸) بوده است. همچنین عوامل اقتصادی (۴/۱۴) و سیاسی (۷/۸۵) نیز از متوسط میانگین پایین‌تر بود. ولی عوامل اجتماعی (۶۳/۱۰)، فرهنگی (۲۵/۱۹)، فردی (۱۸/۶۱) و رسانه‌ای (۲۵/۵۶) از متوسط میانگین بالاتر بوده است. یافته‌های تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که ۳۲ درصد از واریانس وفاق اجتماعی در بین گروه‌های قومی توسط متغیرهای پژوهش تبیین می‌شود.

کلید واژگان: وفاق اجتماعی، قومیت، عوامل سیاسی، عوامل رسانه‌ای، عوامل فرهنگی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش گروه‌های اجتماعی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.
۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، (نویسنده مسئول) r.esmaeili@khuisf.ac.ir
۳. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.

مقدمه و بیان مسئله

رشد روزافزون جمعیت شهرها در چند دهه اخیر به یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی جوامع در حال توسعه و از جمله ایران تبدیل و باعث شده است تا قومیت‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی با درجات مختلفی از انسجام اجتماعی در بخش‌های مختلف نظام اجتماعی در کنار یکدیگر همزیستی داشته باشند. ولی با این وجود، گروه‌های قومی سعی بر این دارند تا خودشان را به لحاظ فرهنگی از سایر گروه‌ها متمایز کنند. به نظر می‌رسد که این تمایزها همگی اجتماعی-فرهنگی است و طی فرآیندی در طول زمان، یک گروه قومی شکل می‌گیرند.

به گفته دورکیم، اجماع جمعی در مورد مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی است که در یک زمینه تعاملی اجتماعی به وجود می‌آیند که خود انرژی عاطفی تولید می‌کند. محل زندگی افراد در واقع یکی از این زمینه‌های تعامل است و از توانایی بالایی در ایجاد هویت برخوردار است و می‌تواند نوع خاصی از هماهنگی را بین اعضای محل ایجاد کند که با میزان و نوع هماهنگی در مکان دیگر متفاوت است و محل. در نتیجه بسته به نوع جامعه با درجات مختلفی از توافق روبرو خواهیم شد (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۵۲). گیدنز توافق را به عنوان توافق بر سر ارزش‌های اجتماعی بنیادی اعضای یک گروه، اجتماع یا اجتماع در نظر می‌گیرد (گیدنز، ۲۰۰۴: ۷۸۵). کیفیت هماهنگی اجتماعی و اجزای سازنده و تأثیرگذار آن از جمله موضوعات مورد علاقه علوم اجتماعی از یک سو است که به دلیل تأثیر آن بر عوامل مختلف توسعه از اهمیت بالایی برخوردار است. علیرغم اهمیت جدیدی که به دلیل پیچیدگی جوامع امروزی، هماهنگی اجتماعی راه‌هایی را برای دستیابی به آن موانع و پیامدهای آن پیدا کرده است، اما مدت‌هاست ذهن متفکران اجتماعی را به خود جلب کرده است (نجفی و فرهمند، ۱۳۹۸: ۱۵۴).

هماهنگی اجتماعی یکی از موضوعات اصلی است که از دیرباز مورد توجه متخصصان حوزه مطالعات اجتماعی و فرهنگی بوده است و حول مفهوم هماهنگی اجتماعی در فرهنگ‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی بیان شده است. با این حال، موضوعات اصلی تعاریف مختلف این مفهوم را می‌توان ارزش‌ها، هنجارهای اساسی یک جامعه دانست. برو معتقد است که هماهنگی اساس زندگی اجتماعی مثبت را تشکیل می‌دهد و فروپاشی آن

منجر به بی‌نظمی، فروپاشی جامعه و متلاشی شدن زندگی اجتماعی می‌شود. (بیرو، ۱۳۸۵، ۶۴-۶۵). هابرماس همچنین معتقد است که مفهوم هماهنگی به توافق بین اشیایی بستگی دارد، زیرا این توافق فقط می‌تواند بر اساس هنجارهای برآمده از جهان زنده باشد. در این گذار، موقعیتی برای جامعه ایجاد می‌شود که شکاف‌هایی ایجاد می‌کند که موجودیت جامعه را به خطر می‌اندازد. آنچه در این شرایط باید مورد توجه قرار گیرد، مسئله هماهنگی اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۵). به گفته برخی از محققان، شرایط جامعه ما اکنون به‌گونه‌ای است که از آن به‌عنوان مانعی برای ایجاد و تحکیم هماهنگی اجتماعی یاد می‌شود. رشد جمعیت و شهرنشینی سریع، وجود اقوام مختلف، تغییرات سریع اجتماعی و اقتصادی، انتشار اطلاعات در مورد محیط داخلی و خارجی و ... که به‌طور بالقوه درک مشترک در ایران را کاهش داد. در چنین شرایطی، ما به یک همبستگی نسبی فعال و فراگیر نیاز داریم که همه داوطلبان آن را تحت‌الشعاع قرار دهند (نجفی و فرهمند، ۱۳۹۸: ۱۵۶).

در ارتباط با جامعه‌ای مانند ایران، شرایط افزایش جمعیت، وجود اقوام مختلف با خرده‌فرهنگ‌های مختلف، تغییرات اجتماعی و اقتصادی، گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن، تأثیر شدید رسانه‌ها بر زندگی مردم، به نظر می‌رسد هماهنگی اجتماعی به‌طور بالقوه نگران‌کننده است. در چنین شرایطی، گروه‌های مختلف اجتماعی و قومی، همراه با خرده‌فرهنگ‌های خاص هر یک، و همچنین سطح بالایی از تحرک اجتماعی پدید آمده است و چنین مواردی نشان می‌دهد که مهم این است که ما به‌نوعی همبستگی و هماهنگی اجتماعی نیاز داریم که همه گروه‌ها جامعه را در سایه آن گرد هم آورد. از آنجاکه کاهش هماهنگی اجتماعی می‌تواند در درازمدت منجر به ظهور اشکال مختلف ساختارهای اجتماعی متلاشی‌شده، غیرطبیعی و آشفته شود که احساس مسئولیت اجتماعی، گسترش فرهنگ فردگرایانه، عملکرد نهادهای اجتماعی و بسیاری دیگر مشابه را کاهش می‌دهد. موارد و خود تهدیدی جدی برای توسعه پایدار یک کشور است.

شاهین‌شهر به‌عنوان یکی از شهرهای جدید استان اصفهان از نظر موقعیت در موقعیت جغرافیایی خاص و مجاورت با مؤسسات و کارخانه‌های صنعتی و مجاورت با اصفهان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای مهاجرپذیر دارای ترکیب قومی و اجتماعی و همچنین یکی از شهرهای جدید دارای اقوام مختلفی هستند: آذری، بختیاری، ترک، لر، کرد گیلک،

مازنی و عرب، که با یکدیگر تعامل و زندگی مسالمت‌آمیزی دارند. به طوری که با کمی تحمل می‌توان گفت که ایران کوچک است و ارائه الگوی هماهنگی اجتماعی در آن می‌تواند زمینه‌ساز انسجام اجتماعی در شهرهای چند فرهنگی باشد. تنوع اقوام ساکن در شاهین شهر باعث شده است که همبستگی و انسجام اجتماعی و هماهنگی اجتماعی در جامعه مورد مطالعه تغییراتی در برخی ابعاد داشته باشد به طوری که ساختار و کارکردهای جامعه و ساختارهای اجتماعی مورد تهدید قرار گیرد. بنابراین، محققان سعی کرده‌اند با نگاهی جامع و با استفاده از چارچوبی نظری، عوامل اثرگذار بر هماهنگی اجتماعی را مطالعه و تحلیل کنند.

پیشینه تحقیق

محسنی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «سنجش میزان وفاق در جوامع شهری» به بررسی میزان وفاق اجتماعی در شهر ایلام پرداختند. نتایج آزمون‌های آماری حاکی از آن است که بین مشارکت اجتماعی، قشر اجتماعی و میزان تحصیلات با وفاق اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌دار و متغیر تقدیرگرایی با وفاق اجتماعی معکوس و معنی‌دار است. نجفی و فرهمند (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اثرگذار بر هماهنگی اجتماعی اقوام لک و لر» یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین هماهنگی اجتماعی و سن، قومیت، وضعیت تأهل، فرهنگ شهروندی، قانون‌گریزی و محرومیت نسبی الف رابطه معنی‌داری مشاهده شد نظری (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «تدوین راهکارهای ارتقای همبستگی اجتماعی با تأکید بر تنوع قومیتی در سطح محلات» نتایج به دست آمده از این کار پژوهشی حاکی از آن است که بین همبستگی اجتماعی و تنوع قومیتی ارتباط معکوس وجود دارد؛ یعنی با افزایش تنوع قومیتی میزان همبستگی اجتماعی پایین می‌آید. از دیگر نتایج تحقیق این بود که بین مشارکت و احساس تعلق با همبستگی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد؛ یعنی با افزایش همبستگی اجتماعی میزان مشارکت و احساس تعلق در بین ساکنان نسبت به محله افزایش پیدا می‌کند.

دلفی و نوا (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اثرگذار بر هماهنگی» عوامل اثرگذار بر هماهنگی اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است. نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد که میانگین هماهنگی اجتماعی در جمعیت مورد مطالعه نسبتاً بالا است. بین

متغیرهای طبقه‌بندی اجتماعی، تعاملات اجتماعی، روابط اجتماعی، سن و اعتماد اجتماعی با میزان هماهنگی اجتماعی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد.

عادل و جهان (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «همبستگی اجتماعی در جوامع چند فرهنگی در کشور بنگلادش» نتایج به دست آمده از این پژوهش حاکی از آن است که جامعه بنگلادش دارای یک حس ضعیف تعلق و کمبود هویت مشترک و جمعی است. نویسندگان به نتیجه رسیدند که اگرچه همبستگی اجتماعی بین مهاجران کم است اما تهدیدهای عدم همبستگی اجتماعی مانند منازعات نژادی هم وجود ندارد؛ با اقدامات مناسب عوامل افزایش انسجام اجتماعی در جامعه را می‌توان به وجود آورد یا آن را تقویت کرد. بوتومان^۱ و همکارانش (۲۰۱۲) در یک پژوهش با عنوان «مطالعه تجربی در مورد چندبعدی بودن شاخص‌های انسجام اجتماعی در جوامع محلی بلژیک»، نتایج نشان داد که افزایش تعامل بین اعضای یک جامعه باید بر اساس مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها باشد که منجر به تعامل و همکاری می‌شود. از جمله نگرش‌هایی مانند اعتماد عمومی و حس مشترک تعلق. آن‌ها معتقدند جوامعی که شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی بالاتری دارند، انسجام اجتماعی پایینی دارند. در مقابل، در جوامعی که از لحاظ ساختاری و فرهنگی بیشتر سرمایه اجتماعی دارند.

با توجه به تحقیقات ارائه شده در زمینه تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت که اکثر تحقیقات ضمن توصیف، با تأکید بیشتر بر توضیح متغیرها، چه به عنوان متغیرهای مستقل و چه وابسته، یکی از ابعاد هماهنگی اجتماعی یا عنوان یکی از ابعاد متغیرهای دیگر مانند همبستگی اجتماعی یا انسجام اجتماعی محسوب می‌شود. در واقع بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته متغیر وفاق اجتماعی را به صورت محدود و تک‌بعدی بررسی کرده‌اند که این مسئله خود حاکی ضعف پژوهش‌ها در حوزه وفاق اجتماعی است. در رابطه با بحث قومیت‌ها نیز پژوهش‌های صورت گرفته بیشتر به لحاظ سیاسی هویت‌های قومی را مدنظر قرار داده‌اند و به ابعاد اجتماعی آن کمتر توجه شده است، چیزی که در پژوهش حاضر بسیار حائز اهمیت است.

مبانی نظری

چلبی در باب دوگانگی‌های موجود در جامعه‌شناسی، بین وفاق اجتماعی و تضاد

اجتماعی، نظم اجتماعی و تغییر اجتماعی، فرد و جامعه، ساخت و کنش و غیره، معتقد است که همگی دو وجه یک سکه قلمداد می‌شوند و باید هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند. به گونه‌ای که اگر یکی از آن‌ها صرفاً مورد توجه قرار گیرد بیشتر به لحاظ تحلیلی است و نه به سبب چشم‌پوشی یا احیاناً جهل. با این دیدگاه ایشان برای اولین بار نظریه وفاق اجتماعی خود را در مقاله‌ای تحت عنوان «وفاق اجتماعی» مطرح نظر قرارداد. وی با تعریف کامل و جامعی از وفاق اجتماعی آن را سرچشمه و رکن اساسی نظم اجتماعی در مقابل نظم سیاسی عنوان می‌کند. (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۷).

او هماهنگی اجتماعی را در قالب چندین تعریف جزئی تعریف می‌کند: «اشتراک داوطلبانه قوانین اجتماعی بر اساس انسجام عاطفی»؛ احساس، بازیگری و ارتباط؛ بمانید «نظم نمادین یا جامعه ارتباطی».

همچنین برحسب تعاریف بالا وی عناصر تشکیل‌دهنده وفاق اجتماعی را که رابطه جدانشدنی با یکدیگر دارند را این‌چنین برمی‌شمرد: ۱- نوعی توافق جمعی؛ ۲- مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی؛ ۳- تعامل؛ ۴- احساس. (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۷). چلبی به تقسیم‌بندی وفاق از لحاظ مقطعی، طولی و... قائل است. از لحاظ مقطعی وفاق به دو نوع وفاق در میان مردم و وفاق در میان نخبگان و از لحاظ طولی نیز از وفاق اجتماعی در گذشته و حال صحبت می‌کند و تفاوت وفاق در گذشته و حال را به غیر قراردادی و انفعالی بودن وفاق در گذشته و قراردادی و فعال بودن آن در زمان حال می‌داند (چلبی، ۱۳۹۵: ۴۰). وی نظم اجتماعی را در دو نوع از هم تمیز می‌دهد. نظم بیرونی یا سیاسی و نظم درونی یا وفاقی. در نظم سیاسی، نظم اجتماعی به صورت بیرونی و از بالا با پشتوانه قدرت اعمال و مستقر می‌شود. وی معتقد است در این نوع نظم، وفاق اجتماعی بسیار ناچیز بوده و به عبارت دیگر، اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم‌یافته، تعهد درونی تعمیم‌یافته و وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته یا ضعیف است یا وجود ندارد. به عبارت دیگر وی این سه مفهوم را به عنوان توضیح‌دهنده و شاخصه‌های وفاق اجتماعی در نظر می‌گیرد و به علت فقدان یا ضعف این عوامل، طراوت فرهنگی در حد ناچیز و جریان انرژی عاطفی نیز نارساست. خلل در جریان عوامل اخیر، می‌تواند به راحتی به کژ رفتاری و نیروهای گریز از مرکز تبدیل گردد. اما برخلاف نظم بیرونی، نظم درونی به علت وجود وفاق اجتماعی بنابراین وجود عوامل اعتماد اجتماعی دوجانبه و تعهد درونی

تعمیم یافته، از نوعی همدلی و ثبات برخوردار است و اعضای جامعه به صورت داوطلبانه و از روی احساس تکلیف انجام وظیفه می کنند (چلبی، ۱۳۹۵: ۱۹-۱۸). او این نوع جامعه را جامعه‌ای می نامد که منشأ و محل وقوع هر نوع «ما» است. هنجار اصلی در این جامعه وفاداری است و ارزش‌ها ماهیت ارزش‌های نهایی هستند، نه ارزش‌های ابزاری (چلبی، ۱۳۸۳: ۵۳-۵۲). در این جامعه، هنجارهای اجتماعی عمدتاً از نوع هنجارهای متقارن هستند اما در نظم سیاسی، هنجارهای اجتماعی عمدتاً نامتقارن و از نوع قانون حمورابی هستند. به عبارتی معمولاً اقلیتی ذی نفع هستند و اکثریتی هدف هنجار. به طور کلی در این نظم برخلاف نظم اجتماعی یا وفاقی، روابط گفتمانی حول قدرت، حیطة، تزویر، فساد، پیمان شکنی، تقلب و دورویی دور می زند. در این نظم، اعتماد اجتماعی متقابل که یکی از لوازم تعاون و طراوت فرهنگی است جایی ندارد و به تبع آن اکثریت فاقد قدرت، احساس امنیت نمی کنند. همچنین در نظم سیاسی، بافت شبکه تعاملات اجتماعی برخلاف نظم سنتی یا اجتماعی گسسته است و این گسست ناشی از وجود تعاملات درون گروهی و ضعف تعاملات بین گروهی است که خود ناشی از فقدان اعتماد اجتماعی متقابل تعمیم یافته است (چلبی، ۱۳۸۳: ۴۵-۴۴). چلبی در بررسی عوامل مؤثر بر پایین بودن وفاق اجتماعی، به سه دسته عوامل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اشاره می کند. پایین بودن سطح انتظار و سطح تعمیم ارزش‌ها نسبت به مفاهیم کلیدی چون جهان، انسان و جامعه در بحث عوامل فرهنگی موانعی مانند، بالا بودن تعداد هنجارها و قواعد اجتماعی و پایین بودن سطح سواد رسمی را مدنظر دارد (چلبی، ۱۳۹۵).

انسجام گروهی هکتر^۲، کلیه مباحث مربوط به پیوند سطوح خرد و کلان را در نظریه خود به نام انسجام گروهی و در کتابی با همین عنوان به کار می گیرد. به نظر هکتر، باینکه مفهوم انسجام در اغلب نظریه‌های جامعه‌شناختی یافت می شود به ندرت تعریف روشنی از آن ارائه شده است. وی در این نظریه انسجام را تابعی از دو عنصر مستقل می داند: ۱- گستردگی تعهدات هنجاری که افراد از طریق عضویت در گروهی خاص به عهده می گیرند. ۲- میزان پیروی آن‌ها در عمل از این تعهدات هنجاری.

افراد به این دلیل در دستیابی به کالاهای تولیدی مشترک مشارکت می کنند که نمی توانند آن‌ها را با تلاش فردی به دست آورند. اگر گروه‌ها به منظور تهیه کالاهای مشترک برای اعضای

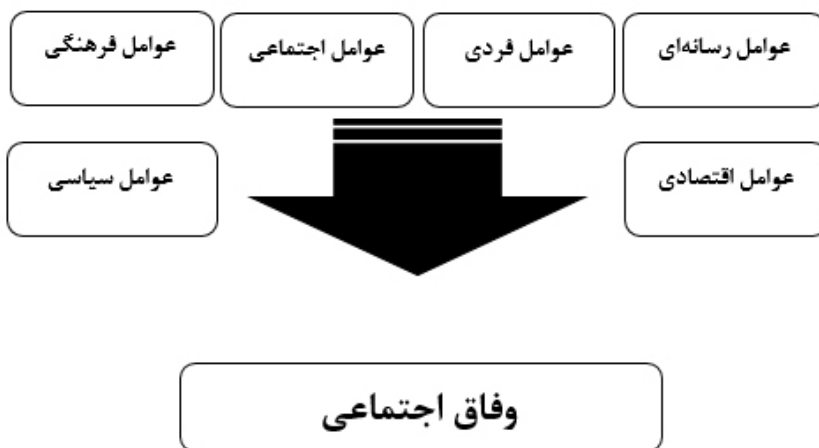
خود به وجود می‌آیند، پس بقای هر گروه خاصی وابسته به پیروی اعضا از انواع قواعدی خواهد بود که برای تولید و توزیع مستمر این کالاها طراحی می‌شوند. به نظر هکتر، دو شیوه متمایز برای حصول پیروی از قواعد تولید وجود دارد. یک‌راه آن است که پیروی را از طریق پاداش به دست آوریم و راه دیگر نیز ایجاد تعهد در اعضاست (هکتر ۱۹۹۷: ۴۷-۴۴).

سرمایه اجتماعی و قومیت: در رابطه با بحث سرمایه اجتماعی و گروه‌های قومی، می‌توان به مباحث روابط قومی اشاره داشت. در این راستا می‌توان از مفاهیم کلیدی مانند شبکه روابط متقابل، همبستگی‌های محدود، اعتماد، تعهدات اجتماعی درون‌گروهی، و انسجام اجتماعی نام برد. سرمایه اجتماعی باعث می‌شود اعضای یک جامعه (قومیت یا فرهنگ) به یکدیگر اعتماد کنند و گروه‌ها و اجتماعات داوطلبانه‌ای تشکیل دهند. آنچه سرمایه اجتماعی را در هر جامعه‌ای تقویت می‌کند این است که مردم تنها به منافع خود فکر نمی‌کنند و فقط برای دستیابی به آن عمل نمی‌کنند. بلکه باید به صورت جمعی در قالب گروه‌ها و سازمان‌های داوطلبانه و غیر داوطلبانه فعالیت کنند (عابدینی، ۱۳۹۴: ۶۰). مشارکت در انجمن‌ها نمونه بارز مشارکت مدنی است. مشارکت در انجمن‌ها باعث ایجاد همبستگی متقابل افقی می‌شود و مولد سرمایه اجتماعی است. مشارکت مدنی یک عنصر اساسی، داوطلبانه و آگاهانه برای هرگونه تعامل، افزایش اعتماد و همکاری اجتماعی، شکستن مرزهای اجتماعی و تقویت همگنی اجتماعی است (پاتنام، ۱۹۹۳: ۳۰۳). در واقع گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منشأ شکل‌گیری نگرش‌ها، قضاوت‌ها و اقدامات اعضای خود هستند. یعنی چگونه روابط درون‌گروهی، به‌عنوان ابعادی از سرمایه اجتماعی، بر گرایش افراد تأثیر می‌گذارد. به‌این ترتیب، سرمایه با ارائه اطلاعات و آگاهی لازم به افراد در مورد موضوعات حساس مانند روابط بین قومی و روشن شدن مرزهای تفاوت‌ها و شباهت‌های بین گروه‌های بومی و غیربومی، و درعین حال با ارائه راهکارهایی برای شناسایی، تسهیل می‌شود. اقدام در سطح کلان جامعه، باعث افزایش همبستگی و تقویت انسجام اجتماعی می‌شود. شواهد زیادی وجود دارد که همبستگی اجتماعی برای رفاه اقتصادی و توسعه پایدار ضروری است. بنابراین، هنگام تعدیل روابط، سرمایه اجتماعی به انسجام، همبستگی، اعتماد و احساس اعتماد در گروه‌ها و سازمان‌های قومی کمک می‌کند و منجر به مشارکت منابع انسانی فعال در جامعه، به‌ویژه جوانان و حفظ روابط متقابل آن‌ها می‌شود. وقتی میزان اعتماد و مشارکت این گروه در جامعه بالا باشد، اساس سرمایه اجتماعی

فراهم می‌شود. اما اگر این اعتماد پایین باشد، شکل‌گیری توسعه اجتماعی بسیار دشوار و ناممکن خواهد بود (عابدینی، ۱۳۹۴: ۶۶).

پاکنام در ارتباط با بحث سرمایه اجتماعی و گروه‌های قومی، می‌توان به مسائل مربوط به روابط قومی اشاره کرد. مفاهیم کلیدی مانند تعامل شبکه، همبستگی محدود، اعتماد، تعهدات اجتماعی درون‌گروهی و انسجام اجتماعی را می‌توان در این زمینه ذکر کرد. سرمایه اجتماعی باعث می‌شود اعضای یک جامعه (یک قوم یا فرهنگ خاص) به یکدیگر اعتماد کنند و گروه‌ها و جوامع داوطلبانه تشکیل دهند. آنچه سرمایه اجتماعی را در هر جامعه‌ای تقویت می‌کند این است که مردم تنها به منافع خود فکر نمی‌کنند و فقط برای دستیابی به آن عمل نمی‌کنند. بلکه باید به صورت جمعی در قالب گروه‌ها و سازمان‌های داوطلبانه و غیر داوطلبانه فعالیت کنند (عابدینی، ۱۳۹۴: ۶۰). مشارکت در انجمن‌ها نمونه بارز مشارکت مدنی است. مشارکت در انجمن‌ها باعث ایجاد همبستگی متقابل افقی می‌شود و یک عامل مولد سرمایه اجتماعی است. مشارکت مدنی یک عنصر اساسی، داوطلبانه و آگاهانه برای هرگونه تعامل، افزایش اعتماد و همکاری اجتماعی، شکستن مرزهای اجتماعی و تقویت همگنی اجتماعی است (پاتنام، ۱۹۹۳: ۳۰۳). در واقع گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منشأ شکل‌گیری نگرش‌ها، قضاوت‌ها و اقدامات اعضای خود هستند. یعنی چگونه روابط درون‌گروهی، به‌عنوان ابعادی از سرمایه اجتماعی، بر گرایش افراد تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب، سرمایه با ارائه اطلاعات و آگاهی لازم به افراد در مورد موضوعات حساس مانند روابط بین قومی و روشن شدن مرزهای تفاوت‌ها و شباهت‌های بین گروه‌های بومی و غیربومی، و درعین حال با ارائه راهکارهایی برای شناسایی، تسهیل می‌شود. اقدام در سطح کلان جامعه باعث افزایش همبستگی و تقویت انسجام اجتماعی می‌شود. شواهد زیادی وجود دارد که همبستگی اجتماعی برای رفاه اقتصادی و توسعه پایدار ضروری است. بنابراین، هنگام تعدیل روابط، سرمایه اجتماعی به انسجام، همبستگی، اعتماد و احساس اعتماد در گروه‌ها و سازمان‌های قومی کمک می‌کند و منجر به مشارکت منابع انسانی فعال، به‌ویژه جوانان و حفظ روابط متقابل آن‌ها می‌شود. وقتی میزان اعتماد و مشارکت این گروه در جامعه بالا باشد، اساس سرمایه اجتماعی فراهم می‌شود. اما اگر این اعتماد پایین باشد، شکل‌گیری توسعه اجتماعی بسیار دشوار و ناممکن خواهد بود (عابدینی، ۱۳۹۴: ۶۶).

وفاق اجتماعی از جمله مفاهیمی است که از ابتدای پیدایش علمی به نام جامعه‌شناسی مورد توجه اندیشمندان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. بیشتر جامعه‌شناسان کلاسیک محور اساسی جامعه را وفاق دانسته و آن را نیاز اصلی پیدایش و تداوم یک جامعه دانسته‌اند. به این لحاظ، در جامعه‌شناسی نظریه وفاق شکل گرفت که آن مجموعه‌ای از نظریه‌هاست که نظم، ثبات و مقررات اجتماعی را شکل می‌بخشند. به عبارتی، نظریه وفاق، به حفظ و ادامه نظم در جامعه توجه دارد و با هنجارهای مقبول، ارزش‌ها، قوانین و مقررات پذیرفته‌شده، به صورت گسترده یا جمعی سروکار دارد. نظریه وفاق اجتماعی از جامعه‌شناسی نظم اجتماعی، ثبات و مقررات اجتماعی پدیدار گشته است. همان‌طوری که در پیشینه نظری این پژوهش نیز آمده است جامعه‌شناسان بزرگی چون کنت، دورکیم، هابرماس و... به ارائه نظریه خویش در این عوامل پرداخته‌اند. دیدگاه‌های صاحب‌نظرانی چون پاتنام و کلمن، مایکل هکتر به‌عنوان مکمل بحث وفاق اجتماعی و متغیرهای مستقل تأثیرگذار محسوب می‌گردند. پاتنام و کلمن نیز از جمله صاحب‌نظرانی هستند که در خصوص رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی با همبستگی اجتماعی در جامعه به مطالعه پرداخته‌اند. حاصل مطالعات و تحقیقات آن‌ها نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی، منجر به همبستگی اجتماعی در جامعه می‌گردد. نهایتاً با توجه موارد مطرح‌شده، مدل نظری زیر حاصل می‌گردد:



شکل (۱) مدل نظری تحقیق

فرضیه تحقیق

*بین عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، رسانه‌ای، فردی و اقتصادی با همگرایی و وفاق گروه‌های قومی در شاهین شهر رابطه معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از رویکرد کمی محور مبتنی بر راهبرد پیمایش از نوع پرسشنامه‌ای بوده که از نظر زمان پژوهش مقطعی، به لحاظ ماهیت کاربردی و به لحاظ وسعت پهنانگر است. جامعه آماری شهروندان ۱۵ تا ۶۵ سال شهر شاهین شهر هستند که بر اساس آمارنامه سال ۱۳۹۵، ۱۷۳۳۲۹ نفر بوده‌اند. که با استفاده از فرمول کوکران نمونه‌ای ۳۸۴ نفری از سنین ۱۵ تا ۶۵ سال از آن‌ها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق، به صورت نمونه‌گیری چندمرحله‌ای می‌باشد. این روش برای به دست آوردن نمونه نهایی، مستلزم چندین مرحله نمونه‌گیری است. روال اصلی کار این است که در مرحله اول، جامعه مورد مطالعه به چند منطقه اصلی تقسیم می‌شود، سپس از درون مناطق بزرگ، به طور تصادفی، مناطق کوچک‌تر انتخاب می‌شوند و سرانجام از درون این مناطق کوچک‌تر به طور تصادفی به افراد مورد مطالعه برخورد می‌شود. با به کار بردن نمونه‌گیری سهمیه‌ای چندمرحله‌ای، می‌توان یک نمونه معرف را انتخاب کرد و دقت برآورد مورد نظر را افزایش داد. با توجه به ماهیت موضوع، ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بوده و برای سنجش متغیرهای تحقیق از جمله وفاق اجتماعی، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد.

سؤالات پرسشنامه تحقیق بر اساس چارچوب نظری تحقیق، مفاهیم و متغیرهای به کاررفته در فرضیه‌های تحقیق و با بازبینی پرسشنامه‌های تحقیقات مشابه که در داخل و خارج از کشور انجام گرفته، طراحی شده است. که اعتبار آن از طریق صوری و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ صورت گرفت. نهایتاً داده‌های پژوهش با استفاده از دو نرم‌افزار SPSS 24 و AMOS 24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همچنین در ادامه ضرایب پایایی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

الف - یافته‌های توصیفی

جدول (۱) توزیع فراوانی یافته‌های توصیفی

فراوانی سن	درصد	فراوانی تأهل	درصد	فراوانی تحصیلات	درصد
۲۵-۱۵	۶/۵	متأهل	۷۷/۳	زیر دیپلم	۶/۵
۳۵-۲۶	۲۰/۶	مجرد	۲۰/۳	دیپلم	۲۱/۹
۴۵-۳۶	۳۸/۵	سایر	۲/۳	کاردانی	۸/۱
۵۵-۴۶	۴۲/۲	فراوانی اشتغال	درصد	کارشناسی	۳۴/۹
۶۵-۵۶	۱۰/۲	شاغل	۵۴/۴	ارشد	۲۲/۴
سابقه سکونت	درصد	بیکار	۷/۸	دکتری و بالاتر	۶/۳
۵ سال و کمتر	۲۳/۴	خانه‌دار	۲۲/۱	فراوانی جنسیت	درصد
۱۰-۵ سال	۱۵/۱	دانشجو	۳/۶	زن	۳۹/۸
۲۰-۱۰ سال	۲۲/۱	بازنشسته	۱۲	مرد	۶۰/۲
۲۰ سال و بالاتر	۳۹/۳	-	-	-	-
درآمد					
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
۱ تا ۳ میلیون تومان	۲۱/۲	بین ۵ تا ۷ میلیون تومان	۲۵/۵		
بین ۳ تا ۵ میلیون تومان	۲۶/۳	بیش از ۷ میلیون تومان	۲۷		

جدول (۲) توزیع فراوانی قومیت پاسخگویان

اقوام	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
آذری	۴	۱	۱
بختیاری	۱۵۶	۴۰/۶	۴۱/۷
ترک	۳	۰/۸	۴۲/۴
عرب	۷	۱/۸	۴۴/۳
کرد	۱۲	۳/۱	۴۷/۴
لر	۳۲	۸/۳	۵۵/۷
سایر	۱۷۰	۴۴/۳	٪ ۱۰۰
جمع	۳۸۴	٪ ۱۰۰	-

نتایج جدول فراوانی قومیت پاسخگویان نشان می‌دهد که، ۱ درصد آذری، ۴۰/۶ درصد بختیاری، ۰/۸ درصد ترک، ۱/۸ درصد عرب، ۳/۱ درصد کرد، ۸/۳ درصد لر و ۴۴/۳ درصد نیز در قسمت سایر قرار دارند.

یافته‌های حاصله از جدول فوق نشام می‌دهد که میزان وفاق اجتماعی در بین شهروندان شاهین‌شهر از متوسط میانگین پایین‌تر (۲۷/۴۸) بوده است. همچنین این وضعیت در بین عوامل اقتصادی (۴/۱۴) و سیاسی (۷/۸۵) نیز صادق است. ولی در عوامل اجتماعی (۶۳/۱۰)، فرهنگی (۲۵/۱۹)، فردی (۱۸/۶۱) و رسانه‌ای (۲۵/۵۶) از متوسط میانگین بالاتر بوده است. همچنین میانگین نظری حاصله از ابعاد سرمایه اجتماعی، سرمایه اجتماعی (۱۳/۲۱)، اعتماد اجتماعی (۱۳/۳۲)، اخلاق اجتماعی (۹/۰۲)، عام‌گرایی اجتماعی (۱۳/۶۱)، از متوسط میانگین بالاتر و ابعاد مشارکت اجتماعی (۶/۸۷) و بده‌بستان اجتماعی (۷/۲۷) از متوسط میانگین پایین‌تر، همچنین این مسئله در سرمایه اجتماعی کل (۶۳/۳۵) بوده است که نشان از بالا بودن سرمایه اجتماعی در بین شهروندان شاهین‌شهری دارد.

ب- یافته‌های استنباطی

*فرضیه: بین عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، رسانه‌ای، فردی و اقتصادی با همگرایی و وفاق گروه‌های قومی در شاهین‌شهر رابطه معنادار وجود دارد.

متغیرهای عوامل اجتماعی، فردی، سیاسی، فرهنگی و... و همگرایی و وفاق در سطح فاصله‌ای است، بنابراین از ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون این فرضیه استفاده می‌شود. فرضیه‌های آماری به ترتیب زیر نوشته می‌شود:

$$H_0 = P = 0 \quad H_1 = P > 0$$

جدول (۳) آزمون فرضیات پژوهش (ضریب پیرسون)

متغیرها/ همگرایی و وفاق اجتماعی	مقدار پیرسون	سطح معنی داری
عوامل اجتماعی	۰/۴۷	۰/۰۰۰
عوامل فردی	-۰/۲۱	۰/۰۰۱
عوامل فرهنگی	۰/۱۱	۰/۰۰۲
عوامل سیاسی	۰/۱۱	۰/۰۰۱
عوامل رسانه‌ای	۰/۱۴	۰/۰۰۱
عوامل اقتصادی	۰/۵۴	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	۰/۶۲	۰/۰۰۰

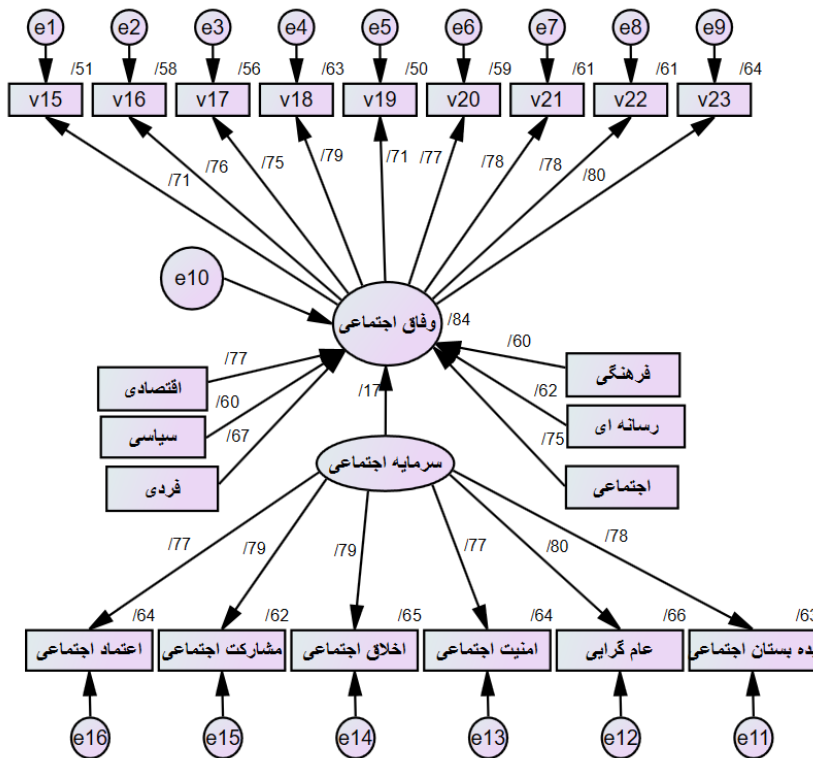
یافته‌های حاصل شده از آزمون فرضیات بالا به ترتیب عوامل اجتماعی (۰/۴۷)، عوامل فرهنگی (۰/۱۱)، عوامل سیاسی (۰/۱۱)، عوامل رسانه‌ای (۰/۱۴)، عوامل اقتصادی (۰/۵۴) از آنجا که سطح معنی داری به دست آمده کمتر از ۰/۰۵ است، فرضیه تأیید می‌شود به این صورت که با افزایش متغیر مستقل، متغیر وابسته نیز افزایش پیدا می‌کند و برعکس. اما مقدار پیرسون به دست آمده از عوامل فردی (-۰/۲۱) به صورت منفی است، بدین معنی که با افزایش عوامل فردی در بین شهروندان شاهین شهر، وفاق و همگرایی کاهش پیدا می‌کند. همچنین بین سرمایه اجتماعی و وفاق گروه‌های قومی در بین شهروندان شاهین شهر رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد.

رگرسیون چند گانه برای سنجش اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

نتایج منعکس شده از جدول بیان می کند که متغیر سرمایه اجتماعی با بتای ۰/۶۸ و عوامل اقتصادی با بتای ۰/۵۷، عوامل اجتماعی ۰/۵۲، عوامل فردی ۰/۳۶-، عوامل فرهنگی ۰/۱۳، عوامل رسانه‌ای ۰/۱۳ و عوامل سیاسی ۰/۱۰ به ترتیب بیشترین تأثیر مستقیم را بر متغیر وابسته داشته‌اند. از طرفی آماره دوربین واتسون نیز برابر با (۱/۹۰) است که بیانگر مستقل بودن باقی مانده‌ها است، که نشان از مناسب بودن مدل رگرسیونی دارد.

مدل معادلات ساختاری

برای بررسی تأثیر متغیرهای پژوهش بر همگرایی و وفاق اجتماعی از رویکرد مدل‌یابی معادله ساختاری کواریانس محور استفاده شده است.



شکل (۱) مدل معادلات ساختاری

شاخص‌های ارزیابی مدل معادله ساختاری بعد از همبسته کردن خطای اندازه‌گیری تعدادی از مؤلفه‌ها، با توجه به دامنه قابل قبول این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل تدوین شده، توسط داده‌های پژوهش مورد حمایت قرار می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، برازش داده‌ها به مدل برقرار است و وجود شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل دارند. پژوهشگران جهت ارزیابی نیکویی برازش از چندین شاخص استفاده می‌کنند که در جدول زیر نمایان است:

جدول (۴) شاخص‌های برازش مدل ساختاری

شاخص	SMIN/DF	GFI	AGFA	TLI	NFI	IFI	CFI
مقدار مطلوب	کمتر از ۳	بالاتر /۹۰	بالاتر /۹۰	بالاتر /۹۰	بالاتر /۹۰	بالاتر /۹۰	بالاتر /۹۰
مقدار حاصل شده	۱/۸۰	۹۵/	۹۴/	۹۲/	۹۵/	۹۵/	۹۴/

نتیجه‌گیری

وفاق اجتماعی از جمله موضوعات مهم در مکاتب علوم اجتماعی است که به دلیل تأثیرگذاری در حوزه‌های مختلف نظام اجتماعی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. به گونه‌ای که وفاق را می‌توان جزء ضروری پیشرفت و توسعه برای هر کشوری دانست و از ملزومات توسعه همه‌جانبه برای کشورها می‌توان به این مهم اشاره کرد که نظام اجتماعی باید در بخش‌های گوناگون وفاق ایجاد کند و همه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی باید برای حل مشکلات به‌طور هماهنگ در راستای حل مشکلات به کار گرفته شوند. هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی در بین گروه‌های قومی شاهین شهر می‌باشد. یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که ۳۹/۸ درصد از پاسخگویان را زنان و ۶۰/۲ درصد را مردان تشکیل می‌دهند، که از این بین ۱ درصد آذری، ۴۰/۶ درصد بختیاری، ۰/۸ درصد ترک، ۱/۸ درصد عرب، ۳/۱ درصد کرد، ۸/۳ درصد لر و ۴۴/۳ درصد نیز در قسمت سایر اقوام قرار دارند. همچنین میزان وفاق اجتماعی در بین شهروندان شاهین شهر از متوسط میانگین پایین‌تر (۲۷/۴۸) بوده است. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیات پژوهش به این صورت است که بین عوامل اجتماعی با همگرایی و وفاق گروه‌های قومی در شاهین شهر رابطه معنادار وجود دارد. که با یافته‌های محسنی و همکاران (۱۳۹۸)، نجفی و همکاران (۱۳۹۸)، نظری (۱۳۹۷)، کهن سال (۱۳۹۷)، دلفی و نواح (۱۳۹۴)، بوترمان و همکاران (۲۰۱۲) و ورگلینی (۲۰۱۱)

همسو بوده است. بین عوامل فرهنگی با همگرایی و وفاق گروه‌های قومی در شاهین شهر رابطه معنادار وجود دارد. که با یافته‌های نجفی و همکاران (۱۳۹۸)، کهن سال (۱۳۹۴)، عادل و جهان (۲۰۱۳) و بوتریان و همکاران (۲۰۱۲) همسو بوده است. بین عوامل سیاسی با همگرایی و وفاق گروه‌های قومی در شاهین شهر رابطه معنادار وجود دارد. که با یافته‌های نجفی و فرهمند (۱۳۹۸)، عادل و جهان (۲۰۱۳) و ورگلینی (۲۰۱۱) همسو بوده است. بین عوامل رسانه‌ای با همگرایی و وفاق گروه‌های قومی در شاهین شهر رابطه معنادار وجود دارد. که با یافته‌های دلفی و نواح (۱۳۹۴)، و بوتریان و همکاران (۲۰۱۲) همسو بوده است. بین عوامل اقتصادی با همگرایی و وفاق گروه‌های قومی در شاهین شهر رابطه معنادار وجود دارد. که با یافته‌های کهن سال (۱۳۹۴) و ورگلینی (۲۰۱۱) همسو بوده است. بین عوامل فردی با همگرایی و وفاق گروه‌های قومی در شاهین شهر رابطه معنادار وجود دارد. که با یافته تحقیق عادل و جهان (۲۰۱۳) ناهم‌سو بوده است.

بنا بر نظر چلبی وجود میزانی از نظم اجتماعی برای هر جامعه‌ای ضروری و لازم به نظر می‌رسد. با وجود وفاق و همبستگی اجتماعی و ظهور اعتماد اجتماعی متقابل، عوامل برای همکاری و مشارکت اجتماعی به وجود خواهد آمد و این باعث خواهد شد تا توسعه اجتماعی در سایه نظم اجتماعی که محصول وفاق و همبستگی اجتماعی است حاصل آید. در نظام اجتماعی که بر اساس وفاق اجتماعی عام و تعمیم‌یافته استوار است، از نظر هر کنشگری، دیگر کنشگران از مای تعمیم‌یافته یا اجتماع عام هستند و نه از ماهای کوچک‌تری مانند خانواده و گروه قومی. وفاق اجتماعی را هنگامی می‌توان عام دانست که از موهبت اجتماعی دوجانبه، تعهد درونی تعمیم‌یافته و نوعی همدلی و ثبات برخوردار باشد. چلبی پایه اعتماد را بر اساس احساسات جمعی استوار می‌داند زیرا با شکل‌گیری «ما» بعد عاطفی آشکارتر شده و افراد نسبت به هم، نوعی دل‌بستگی عاطفی پیدا کرده و دیگر صرفاً به دلیل رفع نیازهای عادی‌شان (دنبال کردن منافع شخصی) با دیگران رابطه برقرار نمی‌کنند. نظم اجتماعی از دید چلبی مبتنی بر قواعد جمعی، تعامل اجتماعی، منابع اجتماعی و وابستگی عاطفی است. تعامل اجتماعی با تراکم تعاملات بین گروهی (انسجام عام) نیز تقویت می‌شود و به همان نسبت نیز هویت جامعه‌ای نسبت به سایر هویت‌های جمعی برتری نسبی کسب می‌نماید. با اهمیت یافتن هویت یک جامعه نسبت به سایر هویت‌های جمعی، میزان

تعمیم نقشه‌ها افزایش می‌یابد که این خود به نوبه خود همبستگی عمومی و اجتماعی را تقویت می‌کند. علاوه بر این، جهانی‌گرایی گنجاندن گروه‌های خاصی را در جامعه تا حد امکان تسهیل می‌کند، به گونه‌ای که امکان همبستگی عمومی فراتر از همه گروه‌های جامعه را فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد یکی از راه‌های نسبتاً موثر برای حفظ حریم خصوصی جامعه عمومی گسترش روابط اجتماعی است، وابستگی عاطفی تعهد ایجاد می‌کند و تعهد و علاقه اجتماعی عناصر اصلی هنجارهای اجتماعی و اخلاقی هستند. بنابراین بدون نوعی وابستگی احساسی، نظم هنجاری غیرممکن است. اساس نظم هنجاری جامعه احساسات است. احساس تعلق به اجتماع، اعتماد اجتماعی متقابل و دوستی متقابل که از ویژگی‌های همبستگی اجتماعی است، همه ریشه در دل‌بستگی عاطفی دارد. دل‌بستگی عاطفی یکی از ارکان اصلی جامعه است. وقتی تعامل، به‌ویژه تعامل اجتماعی، ادامه یابد، به یک رابطه اجتماعی تبدیل می‌شود و این رابطه از نظر احساسی وابسته می‌شود. بنابراین، رابطه اجتماعی وابستگی عاطفی ایجاد می‌کند، و وابستگی احساسی تولیدشده، به نوبه خود، این رابطه را حفظ می‌کند. همچنین در زمینه تعاملات اجتماعی، نوعی جامعه‌پذیری وجود دارد. چلبی معتقد است که میزان احساس تعهد به میزان علاقه اجتماعی بستگی دارد، که هر دو به تراکم تعامل اجتماعی بستگی دارد. پس الگوی مطلوبی که برای شهر شاهین‌شهر می‌توان بیان نمود این است که باید عوامل بالا رفتن روحیه جمع‌گرایی و اجتماعی شدن و دوری از فردگرایی افراطی و افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان فراهم شود که در این صورت عوامل ارتقای بعد تعاملات و وفاق ارزشی فراهم می‌شود که با تشکیل سازمان مردم‌نهاد و سازمان مبتنی بر جامعه‌ها می‌توان به این امر مهم دست‌یافت چراکه این موارد خود باعث تغییر در نظام فرهنگی نیز می‌شود چون فرهنگ دارای کارکردهایی از جمله سازگاری اجتماعی، انسجام و ایجاد هویت می‌باشد و در نتیجه باعث وفاق اجتماعی در سطح جامعه می‌شود.

با توجه به موارد بیان شده پیشنهادهای تحقیق عبارت‌اند از:

- استراتژی اصلی برای تقویت وفاق اجتماعی تقویت چند فرهنگ‌گرایی است. آموزش‌های چند فرهنگی از طریق تقویت محتواهای کتب درسی انسجام بخش در بخش‌های مختلف و کاهش تعصبات می‌تواند شکل بگیرد.

-با توجه به ارتباط بین فردگرایی افراطی و وفاق اجتماعی پیشنهاد می‌شود از تشکیل گروه‌ها، انجمن‌ها و کمپین‌های داوطلبانه در جامعه برای برقراری روابط اجتماعی که فراتر از روابط خویشاوندی، قومی، طبقاتی، صنفی، شغلی و مذهبی باشد حمایت شود زیرا تشکیل چنین گروه‌های داوطلبانه ملی، با ادغام انواع گروه‌های موجود در جامعه با همدیگر، موجب بسط ارزش‌ها و هنجارهای ملی در جامعه می‌شود و با بالا رفتن شناخت افراد از جامعه و ارزش‌های آن، گرایش مثبت در افراد ایجاد می‌شود.

-رفع موانع مشارکت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اقوام مختلف در اداره امور شهری و محلی در شهر شاهین‌شهر.

-سیاست‌گذاری عمومی مبتنی بر محله محوری در میان اعضای شورای شهر و مدیران شهری شاهین‌شهر برای گسترش روحیه مشارکت اجتماعی در میان شهروندان شهر شاهین‌شهر.

-آگاه‌سازی و توانمندسازی افراد جامعه در عوامل کسب مهارت‌های لازم برای یکدیگر کار کردن و پیشگیری از تعارض‌هایی که مانع کار جمعی می‌شوند.

-افزایش میزان انسجام اجتماعی از طریق تقلیل نزاع‌های سیاسی و افزایش مشارکت در برنامه‌هایی که وفاق اجتماعی را تقویت می‌کند.

پی‌نوشت

- 1. Botterman
- 2. Michael Hechter

کتابنامه

الف: فارسی

۱. فخری، مریم، باقر ساروخانی و محمدصادق مهدوی (۱۳۹۶). «تحرک اجتماعی و گزینش همسر»، *تربیتی زنان و خانواده*، سال ۱۲، شماره ۴۰، صص ۵۷-۸۲.
۲. کهن‌سال، احسان (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری وفاق اجتماعی (موردمطالعه: شهر ده دشت)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز.
۳. لهمان، جنیفر (۱۳۸۵). «ساخت شکنی دورکیم (نقدی پسا پسا ساختارگرایانه)»، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران، نشر نی.
۴. محسنی، رضا علی، کمر بیگی، خلیل، درویشی، فرزاد (۱۳۹۸). «سنجش میزان وفاق اجتماعی در جوامع شهری: موردمطالعه: شهروندان ایلام»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱-۲۶.
۵. نظری، مهید (۱۳۹۷). «تدوین راهکارهای ارتقای همبستگی اجتماعی با تأکید بر تنوع قومیتی در سطح محلات (نمونه موردی: محله امامزاده قاسم)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.

ب: لاتین

6. adil, hossain, j (2013), "social cohesion in multiculture society: A case of Bangladeshi immigrants in Stockholm, Department of Human Geography, Stockholm University.
7. Botterman, Sarah, marc hooghe and time reeskens (2012); one size fits all? An empirical study in to the multidimensionality of social cohesion indicators in Belgian local communities, *urban studies*, 49(1), pp 185-202.
8. Hechter, M. (1997), "Religion and Rational Choice Theory". In A, Lawrence(ed). *Rational Choice Theory and.religion*. New yor& London. Routledge.
9. Reitz, G. Jeffrey, and et. al. (2008). *Rase, Religion, and the Social Integration of New Immigrant Minorities in Canada*, University of Toronto.
10. Vergolini, L. (2011). Social cohesion in Europe: How do the different dimensions of inequality affect social cohesion? *International Journal of Comparative Sociology*, 52(3), 197-214.